

## فاطمه فاطمه است!

مختار ایوبی

چاردیواری

گفتن و نوشتن از انسانی در  
شأن و منزلت دختر پیامبر  
رحمت (ص) و همسر فاتح

خیبر و مادر دُرَدانه‌های ختمی مرتبت، دستی به دور از عصیان و زبانی گویا و دمدام به ذکر!... و قلبی محزون الی ابد می‌خواهد، تا قلم بلغزد و اشک ارادت بریزد.

تا گوشه‌ای از محاسنات زمینی [نه ملکوتی] این اعجوبه معصوم را روایت کند.

دکتر شریعتی در کتاب فاطمه فاطمه است به قدر درک و فهم استادانه‌اش چه خوب در ستایش مادر عالمین می‌نویسد: «خواستم از «بوسوئه» تقلید کنم؛ خطیب نامور فرانسه که روزی در مجلسی با حضور لویی، از مریم سخن می‌گفت.

گفت ۱۷۰۰ سال است که همه سخنوران عالم درباره مریم داد سخن داده‌اند. ۱۷۰۰ سال است که همه فیلسوفان و متفکران ملت‌ها در شرق و غرب، ارزش‌های مریم را بیان کرده‌اند. ۱۷۰۰ سال است که همه هنرمندان، چهره‌نگاران، پیکره‌سازان بشر، در نشان دادن سیما و حالات مریم، هنرمندی‌های اعجازگر کرده‌اند اما مجموعه گفته‌ها، اندیشه‌ها، کوشش‌ها و هنرمندی‌های همه در طول این قرن‌های بسیار، به اندازه این یک کلمه نتوانسته‌اند عظمت‌های مریم را بازگویند؛ که «مریم مادر عیسی است».

من خواستم با چنین شیوه‌ای از فاطمه بگویم. باز درمادم. خواستم بگویم فاطمه دختر خدیجه بزرگ است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه، دختر محمد(ص) است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر حسین است. دیدم که فاطمه نیست. باز دیدم که فاطمه نیست. نه! اینجا همه هست و این همه فاطمه نیست. فاطمه، فاطمه است. این یعنی فاطمه را خدای فاطمه می‌تواند شرح دهد ولاغیر».

تا اینجای مطلب که همراه شدید بد نیست متنی از کتاب «کشتی پهلورگرفته» را نیز در ادامه بخوانید؛ آنجا که نویسنده می‌گوید: «یک بار عایشه به رسول خدا عرض داشت: چرا به هر دیدار فاطمه، تو جان دوباره می‌گیری؟

گفتم: خموش! عایشه!

فاطمه بهشت من است، فاطمه کوثر من است.

من از فاطمه بوی بهشت می‌شوم، فاطمه عین بهشت است، فاطمه جواز بهشت است.

رضای من در گرو رضای فاطمه است، رضای خدا در گرو رضای فاطمه است، خشم فاطمه جهنم خداست و رضای فاطمه بهشت خدا... و این یعنی حضرت فاطمه(س) از عجایب خلقت در نوع خود بی‌نظیر است.»

درنگ

افراط در توجه  
به مسائل اجتماعی

یک عده می‌گویند اصلا این حرف که «الضَّلوةُ عَمودُ الدِّینِ نماز پایه و عمود خیمه دین است»، با تعلیمات اسلامی جور در نمی‌آید. اسلام دینی است که بیش از هر چیزی به مسائل اجتماعی اهمیت می‌دهد، اسلام دینِ اِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِ بِالْعَدْلِ وَ الْأَخْصَانِ است، اسلام دینِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَرْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ است، اسلام دین امر به معروف و نهی از منکر است: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تُنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، اسلام دین فعالیت و عمل و کار است، اسلام دین بزرگی است؛ دینی که این همه به این مسائل اهمیت می‌دهد، چطور می‌شود برای عبادات این همه اهمیت قائل بشود؟ نه، پس اساساً مسأله عبادت در دنیای اسلام اهمیت زیادی ندارد؛ برودنبال تعلیمات اخلاقی اسلام، برودنبال تعلیمات اجتماعی اسلام؛ مسأله عبادت مال بیکارهاست، آنهایی که کار مهم‌تری ندارند باید نماز بخوانند و عبادت کنند اما آدمی که کار مهم‌تری دارد که دیگر لزومی ندارد عبادت کند. این هم فکر غلطی است و بسیار بسیار خطرناک. اسلام را همان طوری که هست باید شناخت.

عکس‌العمل کنده‌روی اینها این است که یک طبقه دیگری پیدا شده از تندرورها که واقعا به مسائل اجتماعی اسلام اهمیت داده و حساسیت هم نشان می‌دهند.

این جور اشخاص از این نظر خیلی هم بارز هستند، ولی برخی از همین‌ها را من گاهی دیده‌ام که مثلاً مستطیع شده است اما به حج نمی‌رود. این آدمی که واقعا مسلمان است، واقعا به اسلام علاقه‌مند است و دلش برای اسلام می‌تپد، وقتی مستطیع می‌شود به مکه نمی‌رود، اصلاً برایش خیلی مهم نیست. به نمازش اهمیت نمی‌دهد. به این‌که در مسائل باید تقلید کرد اهمیت نمی‌دهد، با این‌که تقلید یک امر معقولی است. معنای تقلید چیست؟ می‌گویند آقا تو یا باید مسائلی مانند نماز و روزه را مستقیماً خودت استنباط کنی، یعنی این قدر متخصص باشی که خودت از روی تخصص استنباط کنی یا عمل به احتیاط بکنی که کارت خیلی دشوار است، یا یک متخصص عادل عالم جامع‌الشرایط را در نظر بگیر و مثل این‌که به یک طبیب متخصص مراجعه می‌کنی، مطابق نظر او رفتار کن. نمی‌شود که انسان تقلید نکند؛ یعنی اگر تقلید نکند، خودش را بیشتر به زحمت انداخته است. یا بعضی‌ها به روزه‌شان اهمیت نمی‌دهند، اگر رفتند مسافرت و روزه‌شان قضا شد، قضایش را انجام نمی‌دهند. اینها هم خودش را مسلمان کامل می‌دانند، آن دسته اول هم خودشان را مسلمان کامل می‌دانند، در صورتی که نه اینها مسلمان کاملند و نه آنها. اسلام دینی است که تَوْحِيدٌ يَغْنُصُ وَ تَكْفُرٌ يَغْنُصُ بر نمی‌دارد. نمی‌شود انسان عبادت اسلام را بگیرد ولی اخلاق و مسائل اجتماعی‌اش مانند امر به معروف و نهی از منکر را نگیرد، نمی‌شود انسان امر به معروف و نهی از منکر اسلام را بگیرد و عبادتش را رها کند.

قرآن هر جا که می‌گوید: اَقِمْوُا الصَّلوةَ پشت سرش می‌گوید: اَتُوا الرِّكْوةَ. اگر می‌گوید: اَقَامُوا الصَّلوةَ پشت سرش می‌گوید: اَتَى الرِّكْوةَ. اگر می‌گوید: يَقِمْوُنَ الصَّلوةَ پشت سرش می‌گوید: يَتَوَتَوْنَ الرِّكْوةَ. «يَقِمْوُنَ الصَّلوةَ» مربوط به رابطه میان بنده و خداست، يَتَوَتَوْنَ الرِّكْوةَ مربوط به رابطه میان بنده و دیگر بندگان خداست. یک نفر مسلمان، هم باید یک رابطه دائم و ثابت میان او و خدای خودش برقرار باشد و هم باید یک رابطه ثابت و دائم میان او و جامعه خودش برقرار باشد. بدون عبادت، ذکر و یاد خدا، مناجات با حق، حضور قلب، نماز و روزه نمی‌شود یک جامعه اسلامی ساخت و حتی خود انسان سالم نمی‌ماند. همچنین بدون یک اجتماع صالح و یک محیط سالم، بدون امر به معروف و نهی از منکر، بدون رسیدگی و تعاطف و تراحم میان افراد مسلمان نمی‌شود عابد خوبی بود. / برگرفته از کتاب آزادی معنوی، استاد شهید مرتضی مطهری



اینفو

دیباجه

گزارش

گفت و گو

خانواده‌های چند فرزند و نقش خواهر و برادر در آن

## روان‌شناسی تک‌فرزندی

امیر علوی

چاردیواری

جامعه ایرانی امروز تحت تأثیر رسانه‌ها، جهانی‌شدن و فناوری‌ها، تغییرات گسترده‌ای را پشت‌سر می‌گذارد. امروزه خانواده‌ها به سوی هسته‌ای‌شدن در حرکت هستند. الگوی سنتی خانواده با محوریت «حضور فرزند مایه رحمت

و برکت است» گرچه هنوز پابرجاست اما هر روز بیش از گذشته این الگو کهنه‌تر و قدیمی‌تر می‌شود؛ به طوری که در میان خانواده‌ها نوعی تغییر نگرش نسبت به تعداد فرزندان به وجود آمده است و این محوریت تبدیل شده است به «حضور فرزند مایه زحمت است». همچنین زنان علاوه بر این‌که نداشتن فرزند را تهدیدی برای زندگی زناشویی خود به حساب نمی‌آورند، در بعضی از موارد آن را ضروری نمی‌دانند. والدین، فرزند را مغل آسایش، گران قیمت و پرهزینه می‌دانند و با توجه به این‌که آنها دیگر خواسته‌های خود را از لحاظ عواطف در فرزندان نمی‌یابند، تمایلی برای فرزندآوری بیشتر ندارند. گرایش به داشتن فرزند کمتر نشانه آن است که در واقع زنان امروز هویت زنانه خود را در جاهای دیگری جز خانه و مادر شدن جست‌وجو می‌کنند. از جمله عواملی که باعث کاهش باروری و فرزندآوری می‌شوند، عبارتند از: افزایش میزان طلاق، افزایش سن ازدواج، دگرگونی ارزش‌ها، تغییر نگرش نسبت به نقش‌های خانوادگی، افقی‌شدن ساختار قدرت در میان والدین و فرزندان، کاهش تمایلات باروری، ازدواج سپید، سقط جنین عمدی است.

معرفی



در فصل اول کتاب حاضر تلاش شده تک‌فرزندی از منظر روان‌شناسان و پژوهشگران دین اسلام، ترتیب تولد، پیامدهای اجتماعی بررسی شود و در پی آن در فصل دوم و سوم به تعریف تک‌فرزندی و چند فرزند و ویژگی‌ها و خصوصیات، آسیب‌ها، نقاط قوت، مزایا، معایب، اشتباهات و نباید و باید‌های آنها پرداخته شده است. در فصل چهارم به خانواده‌های چند فرزند و نقش خواهر و برادر، همچنین مزایا و معایب و نقش خواهر و برادر اشاره شده است. فصل پنجم شامل نکات کلیدی و تربیتی و وظایف و نحوه صحیح تربیتی والدین تک‌فرزند است. در فصل ششم به مهدکودک و زمان، مدت و نحوه آماده کردن آنها می‌پردازد. در فصل هفتم و هشتم علاوه بر بیان سؤالات رایج والدین تک‌فرزند و پاسخ به آنها، پیشنهادها و نقطه نظرهایی به والدین قبل از تصمیم به فرزندآوری و تعداد آنها داده می‌شود. سوزان نیومن، روان‌شناس اجتماعی در دانشگاه روتگرز و نویسنده کتاب «تربیت یک تک‌فرزند» معتقد است: افرادی که به تک‌فرزندان لقب بچه‌هایی لوس و نر می‌دهند، افرادی پرخاشگر، رئیس‌مآبانه، تنها و ناسازگارند. صدها پژوهش نشان داده است که تک‌فرزندان هیچ تفاوتی با همسالان خود ندارند. علی‌اسلام زاده در کتاب روان‌شناسی تک‌فرزند، برخی از ویژگی‌ها و معایب تک‌فرزند را بیان می‌کند و نحوه کاهش مشکلات را مورد بحث قرار می‌دهد.

در بخشی از کتاب روان‌شناسی تک‌فرزند می‌خوانیم: تک‌فرزندان در مرکز توجه خانواده و وابستگان قرار دارد. پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و حتی افراد خانواده برای تک‌فرزندان نیرو و زمان بیشتری صرف می‌کنند و آنها را بیشتر می‌پذیرند. هرچه تک‌فرزندان انتظارات دیگران به خصوص والدین را بیشتر برآورده کنند از امنیت و آرامش بیشتری برخوردار خواهند بود. تک‌فرزندان ناخودآگاه به این سو رانده می‌شوند که سعی کنند تمام آرزوهای والدین و آشنایان را برآورده سازند و به سرعت درمی‌یابند که هرچه بیشتر پیشرفت کنند و دستاوردهای چشمگیری داشته باشند، بیشتر مورد تحسین و تشویق خانواده قرار خواهند گرفت. در مرکز توجه خانواده بودن، فشارهای زیادی را بر تک‌فرزندان وارد می‌کند. از لحاظ تعداد فرزندان در خانواده می‌توان آنها را به خانواده‌های کوچک، متوسط و بزرگ تقسیم کنیم. این تقسیم‌بندی بر حسب فرهنگ و ملیت در کشورهای مختلف متفاوت است اما آنچه مسلم است از لحظه تولد تک‌فرزندان یا کودکانی که دارای خواهد یا برادر هستند، در معرض نگرش‌ها، انتظارات و طرفدارهای کاملاً متفاوتی قرار می‌گیرند.

## اخلاق عقلی و فقه اخلاقی

اما راجع به افکار در اسلام، آن قسم اندیشه‌هایی که جنبه «واقع‌بینی» دارد و در راس آنها توحید خدای متعال جا دارد انتخاب گردیده و اصل و ریشه قرار داده شده است و در «اخلاق» اسلام آنچه در واقع و نزد عقل سلیم پسندیده است، انتخاب شده و بر اصل توحید استوار شده است. سپس روی پایه و اصل اخلاق، یک سلسله مقررات و قوانین عملی که همه جزئیات زندگی انسان را بررسی می‌کند، تشریح شده و در نتیجه وظایف فردی و اجتماعی هر سیاه و سفید، شهری و بیابانی، مرد و زن، کوچک و بزرگ، خادم و مخدوم، حاکم و محکوم، توانگر و درویش، در حال عادی و استثنایی روشن شده است. «کَلِمَةُ طَلَبَةِ كَشْحَرَةٍ طَلَبَةِ أَطْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» / منبع: تعلیم اسلام ص ۵۶